

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته مورد اول از استثنا از حکم عدم جواز ورود به مکه بدون احرام مورد بررسی قرار گرفت، مطابق روایاتی که بیان شد، مطابق نظر استاد، اینکه ملاک استثنا شغل باشد، دلیل مشخصی ندارد بلکه هنگامی که از خطاب و مجتلبه الغای خصوصیت می‌کنیم، در واقع عرف، موضوع استثنا را تکرر ورود و خروج به مکه در نظر می‌گیرد. بر این اساس، حکم وجوب احرام برای ورود به مکه شامل همه افراد می‌شود، مگر کسانی که به‌طور مکرر وارد و خارج می‌شوند، خواه این تکرر ناشی از شغل باشد یا نباشد.

مورد دوم استثنا از حکم عدم جواز دخول در مکه بدون احرام

دومین موردی که استثنا شده، افراد مریض و مبطون هستند. دلیل این حکم، روایات متعددی از جمله صحیح عاصم بن حمید است.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْخُلُ الْحَرَمَ أَحَدٌ إِلَّا مُحَرِّمًا قَالَ لَا إِلَّا مَرِيضٌ أَوْ مَبْطُونٌ. [1]

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که وقتی از ایشان پرسیدند: «آیا کسی می‌تواند بدون احرام وارد حرم شود؟» فرمودند: «خیر، مگر آنکه بیمار یا مبطون باشد.»

همچنین در صحیح محمد بن مسلم که حدیث دوم همان باب است، امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: «مگر اینکه فرد بیمار باشد یا مشکل گوارشی داشته باشد.»

وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ يَدْخُلُ الرَّجُلُ الْحَرَمَ بِغَيْرِ احْرَامٍ قَالَ لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَرِيضًا أَوْ بِهِ بَطْنٌ. [2]

در حدیث هشتم، رفاعة بن موسی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که از ایشان درباره فردی که دچار بیماری شدیدی شده، سؤال شد. امام فرمودند: «او نباید وارد حرم شود مگر با احرام.» این روایت، همان‌طور که صاحب وسائل و دیگران بیان کرده‌اند، بر استحباب حمل شده است، یعنی احرام برای بیمار واجب نیست.

وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الرَّجُلِ يَعْزِضُ لَهُ الْمَرَضُ الشَّدِيدُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ مَكَّةَ، قَالَ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا بِاحْرَامٍ. [3]

در برخی موارد، مانند ایام حج، ممکن است افرادی در شرایطی قرار بگیرند که قادر به احرام بستن نباشند؛ مثلاً اگر کاروانی در حال حرکت به سمت مکه باشد و یکی از اعضای آن در حالت مُغْمی علیه باشد، نیازی به احرام بستن او نیست و حتی لازم نیست کسی به نیابت از او محرم شود. در این شرایط، فرد را بدون احرام به مکه می‌برند و اگر پس از به‌هوش آمدن، شرایط احرام را داشت، مطابق احکام مربوطه عمل خواهد کرد.

استحباب تکرار عمره

نکته دیگر این است که امام رضوان الله تعالی علیه در متن این مسئله، همان طور که سید و دیگران هم دارند، می‌فرمایند: «همان طوری که تکرار حج مستحب است تکرار عمره نیز مستحب است مخصوصاً آنهایی که امکان مالی دارند مستحب است هر سال حج یا عمره بروند».

در کتاب وسائل الشیعه جلد 14، در باب دوم از ابواب عمره، فصلی با عنوان «استحباب تطوع به عمره و تکرار آن، خصوصاً در ذی‌القعدة و ذکر میقات آن» وجود دارد. این باب شامل احادیث متعددی است که در میان آنها، حدیث صحیح نیز وجود دارد. به دلیل قاعده تسامح در ادله سنن، بررسی سند روایات ضروری نیست.

ما پیش‌تر بحث کردیم و نتیجه این شد که با این قاعده حدیث ضعیف را نمی‌توان صحیح دانست. اما تفضلاً اگر حدیثی ضعیف باشد و این حدیث صادر نشده باشد، در صورتی که کسی بر اساس این قاعده به این حدیث عمل کند، تفضلاً به او ثواب داده می‌شود. اما این‌طور نیست که بگوییم قاعده تسامح در ادله سنن، حدیث ضعیف را صحیح می‌کند یا فعل غیر مستحب را مستحب می‌سازد. در حالی که مشهور این نظر را دارند که حتی اگر حدیث ضعیف باشد، استحباب آن ثابت می‌شود و می‌توان آن را اثبات کرد.

در بین این احادیث، حدیث اول از زرارة بن اعین، حدیث صحیحی است.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِئَةَ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ فِي حَدِيثٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي يَلِي الْحَجَّ فِي الْفَضْلِ قَالَ الْعُمْرَةُ الْمُفْرَدَةُ ثُمَّ يَذْهَبُ حَيْثُ شَاءَ. [4]

در این روایت منظور از حج در سوال راوی، حج مستحبی است، زیرا ظاهر سؤال این است که فضیلت حج مستحبی برای راوی روشن بوده و حالا این پرسش مطرح است که بعد از حج مستحبی چه عملی مستحب است؟ امام پاسخ دادند که عمره مفرده. سپس فرمودند: «ثم يذهب حيث شاء»، که این عبارت سه احتمال دارد.

احتمال اول این است که عمره مفرده بر سایر افعال مستحبی مقدم باشد؛ به این معنا که ابتدا حج مستحبی، سپس عمره مفرده و بعد سایر مستحبات انجام شود. بر اساس این تفسیر، اگر کسی بین انجام عمره مفرده یا صدقه دادن به فقیر در تردید باشد، عمره مفرده مقدم است.

البته ممکن است این مطلب را در عرف مردم قابل پذیرش نباشد، ولی روایات دیگری داریم راجع به حج مستحبی که افراد آمدند خدمت امام (علیه السلام) و عرض می‌کنند ما یک پولی داریم آیا با آن حج مستحب برویم یا به فقرا بدهیم؟ می‌فرماید به حج مستحبی برو. [5] یک وقتی هست که هیچ راه دیگری برای کمک به فقیر وجود ندارد الا این راه، آنجا بعید نیست که بگوئیم مقدم باشد، اما حالا اگر این شخص این کار را انجام ندهد یک شخص دیگری انجام می‌دهد، افراد دیگری ولو در حد پائین‌تر صدقه می‌دهند اما خود عمره یا حج مستحبی در قوت ایمان انسان خیلی اثر دارد، صدقه اجر اخروی دارد و تردیدی در آن نیست اما حج مستحبی، عمره مستحبی در قوت ایمان خیلی اثر دارد. این روایاتی که درباره حج هست که اگر کسی مستطیع بشود حج

نرود مات یهودیاً أو نصرانیاً، این به دلالت التزامی دلالت دارد که حج در تحکیم اسلامیّت انسان خیلی مؤثر است، حج مستحبی عمره نیز همین گونه است..

احتمال دوم، این است که بعد از عمره مفرده نمی‌خواهد مستحب دیگری را انجام بدهد، و احتمال سوم نیز این است که «یذهب حیث شاء» یعنی هر چه می‌تواند عمره مفرده انجام بدهد.

روایت بعد را ابن ابی عمیر از معاویة بن عمار عن امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: اعْتَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثَلَاثَ عُمَرٍ مُتَفَرِّقَاتٍ عُمَرَةَ ذِي الْقَعْدَةِ أَهْلٌ مِنْ عُسْفَانَ وَ هِيَ عُمَرَةُ الْحُدَيْبِيَّةِ، وَ عُمَرَةُ أَهْلٌ مِنَ الْجَحْفَةِ وَ هِيَ عُمَرَةُ الْقَضَاءِ، وَ عُمَرَةُ مِنَ الْجَعْرَانَةِ، بَعْدَ مَا رَجَعَ مِنَ الطَّائِفِ مِنْ غَزْوَةِ حُنَيْنٍ. [6]

این حدیث بیان می‌کند که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) سه عمره را در زمان‌های مختلف انجام دادند؛ عمره حدیبيه که در ماه ذی‌القعدة و از عسفان آغاز شد، عمره قضا که از جحفه احرام بستند و عمره جعرانه که پس از بازگشت از غزوه حنین و طائف انجام شد، این روایت نشان‌دهنده اهمیت و تکرار عمره در سیره پیامبر است، همچنین در روایت مرسل دیگری داریم که پیامبر اکرم نه بار به عمره مشرف شدند.

از این روایات نیز استفاده می‌شود، با آن شرایط اقتصادی که آن زمان برای مسلمین بود هیچ وقت پیامبر نفرمود به جای عمره پولش را به فقرا بدهید، در حالی که فقرای زیادی در مدینه بودند، پس در استحباب اصل تکرار عمره تردیدی وجود ندارد.

روایات استحباب عمره در ماه رجب

در جلد چهاردهم کتاب وسائل الشیعه، باب سوم از ابواب عمره به موضوع تأکید بر استحباب عمره در ماه رجب اختصاص دارد. این باب تحت عنوان «تأكد استحباب العمرة في رجب ولو بأن يحرم فيه و يتمها في شعبان و اختيار الرجب للعمرة على جميع الشهور حتى شهر رمضان» مطرح شده است. در این باب، که به عمره رجبیه می‌پردازد و شهرت زیادی دارد، شانزده روایت نقل شده است که البته برخی از آن‌ها ممکن است تکراری باشند.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ قَالَ لَهُ مَا أَفْضَلُ مَا حَجَّ النَّاسُ قَالَ عُمَرَةُ فِي رَجَبٍ وَ حَجَّةٌ مُفْرَدَةٌ فِي عَامِهَا. [7]

به نظر می‌رسد در عبارت حدیث نقصی وجود دارد، اما مضمون آن این است که زرارہ از امام (علیه السلام) می‌پرسد، پس از حج، کدام عمل برتر است؟ امام در پاسخ فرمودند: «عمره در ماه رجب و حج مفرده در همان سال.» این حدیث دلالت بر فضیلت عمره در ماه رجب دارد.

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَ أَفْضَلُ الْعُمَرَةِ عُمَرَةُ رَجَبٍ، وَ قَالَ الْمُفْرَدُ لِلْعُمَرَةِ إِنْ اعْتَمَرَ ثُمَّ أَقَامَ لِلْحَجِّ بِمَكَّةَ كَانَتْ عُمَرَتُهُ تَامَةً وَ حَجَّتُهُ نَاقِصَةً مَكِّيَّةً.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ سُئِلَ أَيُّ الْعُمَرَةِ أَفْضَلُ عُمَرَةُ فِي رَجَبٍ أَوْ عُمَرَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَقَالَ لَا بَلْ عُمَرَةُ فِي رَجَبٍ أَفْضَلُ. [8]

در روایت دیگری، زرارہ از امام باقر (علیہ السلام) نقل می‌کند کہ ایشان فرمودند: «برترین عمرہ، عمرہ در ماہ رجب است.» همچنین در روایت بعدی در پاسخ بہ این پرسش کہ «عمرہ در رجب افضل است یا در ماہ رمضان؟» امام تصریح کردند کہ عمرہ در رجب افضل است.

در حدیثی دیگر آمدہ است کہ «الحج ثوابها الجنة و العمرة كفارة لكل ذنب و افضل العمرة عمرة رجب» [9]، کہ نشان می‌دهد عمرہ رجب از میان سایر ماہ‌ها، بہ ویژہ ماہ رمضان، برتری دارد. این روایات تاکید دارند کہ در میان ماہ‌ها، عمرہ رجب فضیلت بیشتری دارد.

یک سوال فرعی کہ قبلاً از مرحوم والد ما (رضوان اللہ علیہ) پرسیدہ شدہ بود این بود کہ اگر کسی در روز آخر ماہ رجب محرم شود و اعمال عمرہ اش را در روز اول ماہ شعبان انجام دہد، آیا این عمرہ، با وجود اینکہ اعمال در ماہ شعبان انجام می‌شود، عمرہ رجبیہ محسوب می‌شود؟ ایشان فرمودند؛ بلہ، این عمرہ بہ استناد روایاتی کہ در این باب وجود دارد، بہ عنوان عمرہ رجبیہ پذیرفتہ می‌شود.

در یکی از روایات از امام صادق (علیہ السلام) نقل شدہ است کہ عبداللہ بن سنان از ایشان سوال کرد و امام فرمودند: «وَ إِذَا أَحْرَمْتَ وَ عَلَيْكَ مِنْ رَجَبٍ يَوْمٌ وَ لَيْلَةٌ فَعُمَرْتُكَ رَجَبِيَّةً» [10]. این روایت صریحاً بیان می‌کند کہ اگر کسی روز آخر ماہ رجب محرم شود و اعمالش را در ماہ‌های بعد انجام دہد، این همچنان بہ عنوان عمرہ رجبیہ محسوب می‌شود.

روایات تاکد استحباب عمرہ در ماہ رمضان

در باب چہارم کتاب وسائل الشیعہ، صاحب وسائل بابی تحت عنوان «تأکید استحباب عمرہ در ماہ رمضان، بہ ویژہ در روز بیست و سوم آن» آورده است.

بحثی وجود دارد کہ آیا سفر در ماہ رمضان جایز است یا خیر؟ مشہور فقہا می‌گویند کہ سفر در ماہ رمضان تا روز بیست و سوم ماہ رمضان کراہت دارد است و از روز بیست و سوم بہ بعد، این کراہت برداشته می‌شود. صاحب وسائل در این باب سہ روایت نقل کردہ و می‌فرماید کہ عمرہ در کل ماہ رمضان مستحب است و کراہتی ندارد. حتی اگر کسی در دہہ اول ماہ رمضان بخواہد بہ عمرہ برود، جایز است. بہ ویژہ پس از روز بیست و سوم ماہ رمضان کہ هیچ‌گونه کراہتی وجود ندارد.

اولین روایت از حماد بن عثمان از ولید بن صوید از امام صادق (علیہ السلام) است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَلَّغْنَا أَنَّ عُمْرَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً فَقَالَ إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ فِي امْرَأَةٍ وَعَدَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ لَهَا اعْتَمِرِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَهُوَ لَكَ حَجَّةً. [11]

در این روایت روای می‌گوید؛ بہ امام صادق (علیہ السلام) گفتم، «شنیدہ‌ایم کہ یک عمرہ در ماہ رمضان معادل یک حج است.» امام (علیہ السلام) در پاسخ فرمودند: «این حکم مختص بہ زنی است کہ رسول خدا (صلی اللہ علیہ وآلہ) بہ او وعدہ دادہ بود.» سپس امام (علیہ السلام) توضیح دادند کہ پیامبر اکرم (صلی اللہ علیہ وآلہ) بہ آن زن گفتہ بود: «عمرہ در ماہ رمضان برای تو معادل یک حج است.»

این روایت نشان می‌دهد کہ فضیلت ویژہ‌ای برای عمرہ در ماہ رمضان در مورد آن زن خاص از سوی پیامبر اسلام (صلی اللہ علیہ وآلہ) بیان شدہ است، اما این حکم بہ طور عمومی برای ہمہ افراد قابل تعمیم نیست.

روایت بعدی از علی بن حدید از امام باقر (علیه السلام) است.

و عَنْهُمْ عَنْ سَهْلٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ قَالَ: كُنْتُ مُقِيمًا بِالْمَدِينَةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، سَنَةَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ وَ مِائَتَيْنِ فَلَمَّا قَرُبَ الْفِطْرُ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَسْأَلُهُ عَنِ الْخُرُوجِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَفْضَلُ أَوْ أُقِيمُ حَتَّى يَنْقَضِيَ الشَّهْرُ وَ أَتَمَّ صَوْمِي فَكَتَبَ إِلَيَّ كِتَاباً قَرَأْتُهُ بِخَطِّهِ سَأَلْتُ رَحِمَكَ اللَّهُ عَنْ أَيِّ الْعُمْرَةِ أَفْضَلُ عُمْرَةُ شَهْرِ رَمَضَانَ أَفْضَلُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ. [12]

علی بن مهزیار از علی بن حدید نقل می‌کند که او در سال 213 هجری در شهر رمضان در مدینه اقامت داشت. علی بن حدید می‌گوید که «وقتی عید فطر نزدیک شد، به امام ابی جعفر (علیه السلام) نامه‌ای نوشتم و از ایشان پرسیدم که آیا در ماه رمضان برای عمره خارج شوم یا بمانم تا ماه رمضان تمام شود و روزه‌ام را کامل کنم.» حضرت در جواب نامه، نوشته‌ای برای او ارسال کردند که در آن چنین آمده است: «رحمت خدا بر تو باد، تو از من پرسیده‌ای که کدام عمره افضل است؟ عمره در ماه رمضان افضل است.»

این جواب با سؤال علی بن حدید تطابق ندارد. در واقع، سؤال او این بوده که آیا بهتر است در مدینه بمانم و روزه‌ام را تمام کنم یا به عمره بروم؟ اما در پاسخ، امام (علیه السلام) به سؤال درباره فضیلت عمره در ماه رمضان اشاره کرده‌اند که نشان‌دهنده یک نوع اضطراب یا اشتباه در نقل روایت است. به همین دلیل، نمی‌توان از این روایت برای استنباط حکم استفاده کرد.

در روایت دیگری که حماد بن عثمان نقل می‌کند، آمده است که «اگر کسی قصد انجام عمره داشت، باید تا صبح روز بیست و سوم ماه رمضان صبر کند و سپس در آن روز احرام ببندد و به عمره برود.» این روایت به وضوح نشان می‌دهد که فضیلت عمره در ماه رمضان از روز بیست و سوم ماه رمضان به بعد مورد تأکید قرار دارد.

وَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَرَادَ الْعُمْرَةَ انْتَظَرَ إِلَى صَبِيحَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، ثُمَّ يَخْرُجُ مُهَلًّا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ. [13]

بنابراین، این روایت سوم مشخص می‌کند که عمره در ماه رمضان به‌ویژه از بیست و سوم به بعد مورد تأکید قرار دارد و نمی‌توان از سایر روایات استفاده کرد که در دهه اول ماه رمضان عمره افضل است. این تأکید بر فضیلت عمره از روز بیست و سوم به بعد را نشان می‌دهد، نه از ابتدای ماه رمضان.

بررسی حکم سفر اختیاری در ماه رمضان

در ادامه بحثی که بسیار مورد سوال است را مطرح می‌کنیم؛ و آن این است که اساساً حکم سفر اختیاری در ماه رمضان چیست؟

اولاً، در میان فقها یک نفر وجود دارد که می‌گوید سفر در ماه رمضان عمداً و بدون ضرورت حرام است. این نظر از ابو الصلاح حلبی است. [14]

از جمله آیاتی که در خصوص این حکم باید مورد بررسی قرار گیرد آیه شریفه «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» [15] است، آیه می‌فرماید کسی که در ماه رمضان در محل خود حضور دارد، واجب است که روزه بگیرد. از این آیه و همچنین آیه «وَ أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ» [16] می‌توان نتیجه گرفت که مکلف باید اقامت در محل خود تا پایان ماه رمضان ادامه دهد. بنابراین، اگر کسی عمداً به سفر برود، واجب را ترک کرده است و ترک واجب، حرام است.

بنابراین در بررسی آیه فوق نکات زیر را می توان مطرح کرد.

1. نکته اول: «علی سفر» عطف به «مریض» است، یعنی همانطور که بیماری گاهی به طور ناگهانی و بدون اراده انسان پیش می آید، سفر هم ممکن است به صورت غیرارادی اتفاق بیفتد. بنابراین، در این صورت سفر مانند بیماری می تواند به عنوان یک عذر برای عدم روزه گرفتن در ماه رمضان پذیرفته شود. در این صورت، فردی که از روی اضطرار به سفر می رود، در ماه رمضان از روزه معاف است، همانطور که فرد مریض معاف است.

2. نکته دوم: عبارت «علی سفر» در آیه نشان می دهد که مخاطب آیه در عدم وجوب روزه، فردی است در آغاز ماه رمضان در سفر باشد و قبل از آن به سفر رفته باشد. بنابراین، اگر ماه رمضان آغاز شد و شخص در حال حضر بود و بعد بخواهد به مسافرت برود، مخاطب آیه نیست.

3. نکته سوم: در توجیه جواز سفر در ماه رمضان گفته شده است؛ همانطور که در مورد حکم نماز نیز وقتی فرد اختیارا مسافرت می کند، موضوع تغییر کرده است و باید نماز شکسته بخواند، در مسأله روزه نیز به نظر می رسد با تغییر موضوع مواجهه هستیم و چنین فردی از روزه معاف است.

اما قیاس نماز با سفر در رمضان صحیح نیست. در قضیه نماز، تغییر موضوع به وضوح از حذر به سفر اتفاق می افتد، اما در بحث روزه، آیه شریفه صرفاً می گوید که در صورت بیماری یا سفر، فرد از روزه معاف است، و این به این معنا نیست که هر فردی که بخواهد سفر کند، می تواند از روزه گرفتن معاف شود. در واقع، آیه در مقام بیان جواز معافیت از روزه به دلیل شرایط خاص است و نه جواز سفر اختیارا.

در پایان باید این نکته را متذکر شد؛ روایات متعددی داریم که سفر اختیاری در ماه رمضان به ویژه در صورتی که سفر برای فرار از روزه باشد را مکروه می دانند. پس باید این روایات را در کنار آیه قرار داد و فهم کرد که در صورت اضطرار و نیاز به سفر، آیه معافیت از روزه را بیان می کند، اما این به معنای جواز مطلق سفر در ماه رمضان نیست.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

[1] حر عاملی، محمد بن حسن، «تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة»، ج 12، ص 402.

[2] همان، ج 12، ص 403.

[3] همان، ج 12، ص 404.

[4] همان، ج 14، ص 298.

[5] وَ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَجَّةٌ خَيْرٌ مِنْ بَيْتٍ مَمْلُوءٍ ذَهَبًا يُتَصَدَّقُ بِهِ حَتَّى يَفْنَى. (همان، ج 11، ص 116، بَابُ اسْتِحْبَابِ اخْتِيَارِ الْحَجِّ الْمَنْدُوبِ عَلَى الصَّدَقَةِ).

[6] همان، ج 14، ص 299.

[7] همان، ج 14، ص 300.

[8] همان، ج 14، ص 301.

[9] همان، ج 14، ص 302.

[10] همان، ج 14، ص 301، حدیث 4.

[11] همان، ج 14، ص 304، حدیث 1.

[12] همان، ج 14، ص 304، حديث 2.

[13] همان، ج 14، ص 304، حديث 3.

[14] وإذا دخل الشهر على حاضر لم يحل له السفر مختاراً، و ان وافق دخوله (ابوالصلاح حلبى، تقى بن نجم، «الكافي في الفقه»، ص 182).

[15] قرآن:سوره بقره، آيه 185.

[16] همان، سوره بقره، آيه 187.

منابع

علاوه بر قرآن.

ابوالصلاح حلبى، تقى بن نجم، الكافي في الفقه، اصفهان، مكتبة الإمام أميرالمؤمنين علي (عليه السلام) العامة، 1403.
حر عاملی، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم - ايران، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، 1416.